

قفقاز شمالی

از دیدگاه جغرافیایی - تاریخی

قفقاز شمالی:

یک بررسی جغرافیایی تاریخی

دکتر دزه میرحیدر

تهیه در سال ۱۳۷۱

جمهوریهای قفقاز جنوبی و زمانی که توسط جغرافیدانان خاورمیانه استفاده می شود به قفقاز شمالی اطلاق می گردد.

تحولات تاریخی قفقاز شمالی و نقش مسلمانان در آن

یکی از ویژگیهای قفقاز شمالی کثرت گروههای قومی - زبانی است که در دژه ها و حوضه های میان کوهی سکونت یافته و به دلیل کمی ارتباط طی زمان هویت خاص و فردیت خود را حفظ کرده اند.

بعنوان مثال ، تنها در داغستان سی گروه قومی - زبانی تحت نام کلی داغستانی وجود دارد. گروههای قومی مهم قفقاز شمالی عبارتند از: آوارها، لژی ها ، قبارطی ها ، قره چای ها ، چچنها ، اینگوشها ، اوست ها ، بالکارها ، چرکس ها ، آدیغه ها ، ابخازها ، آجارها و کردها.

قبارطی ها از اواخر قرن شانزدهم میلادی (دهم هجری) با تسلط بر دشتهای حاصلخیز شمال قفقاز موجب پناهنده شدن چچن ها و اینگوشها به مناطق کوهستانی شدند. لژی ها که از گروههای قومی مناطق جنوبی داغستان بودند از لحاظ فرهنگی رشد چندانی نیافته بودند و در مبارزات بعدی مسلمانان علیه روسها هم نقش چندانی نداشتند. آوارها از سوی دیگر از مهمترین گروههای قومی داغستان محسوب می شوند و تحولات منطقه عمدتاً به دست آنها صورت گرفته است. بعنوان نمونه باید از شیخ شامل داغستانی که رهبری مسلمانان را در قیام علیه روسها در قرن نوزدهم به عهده داشت نام برد که از قوم آوار بود.

مبارزات مسلمانان علیه تهاجم روسها را به طور خلاصه می توان در سه مرحله مورد بحث قرار داد: مرحله اول در اواخر قرن شانزدهم (۱۵۸۷) که با کمک نیروهای خان نشین کریمه (قرم) و قوای عثمانی انجام گرفت. در این حملات سرزمین قبارطی ها که با روسها همراهی می کردند با خاک یکسان شد و قوای روسیه پس از شکست ناچار به دشت های روسیه عقب نشستند.

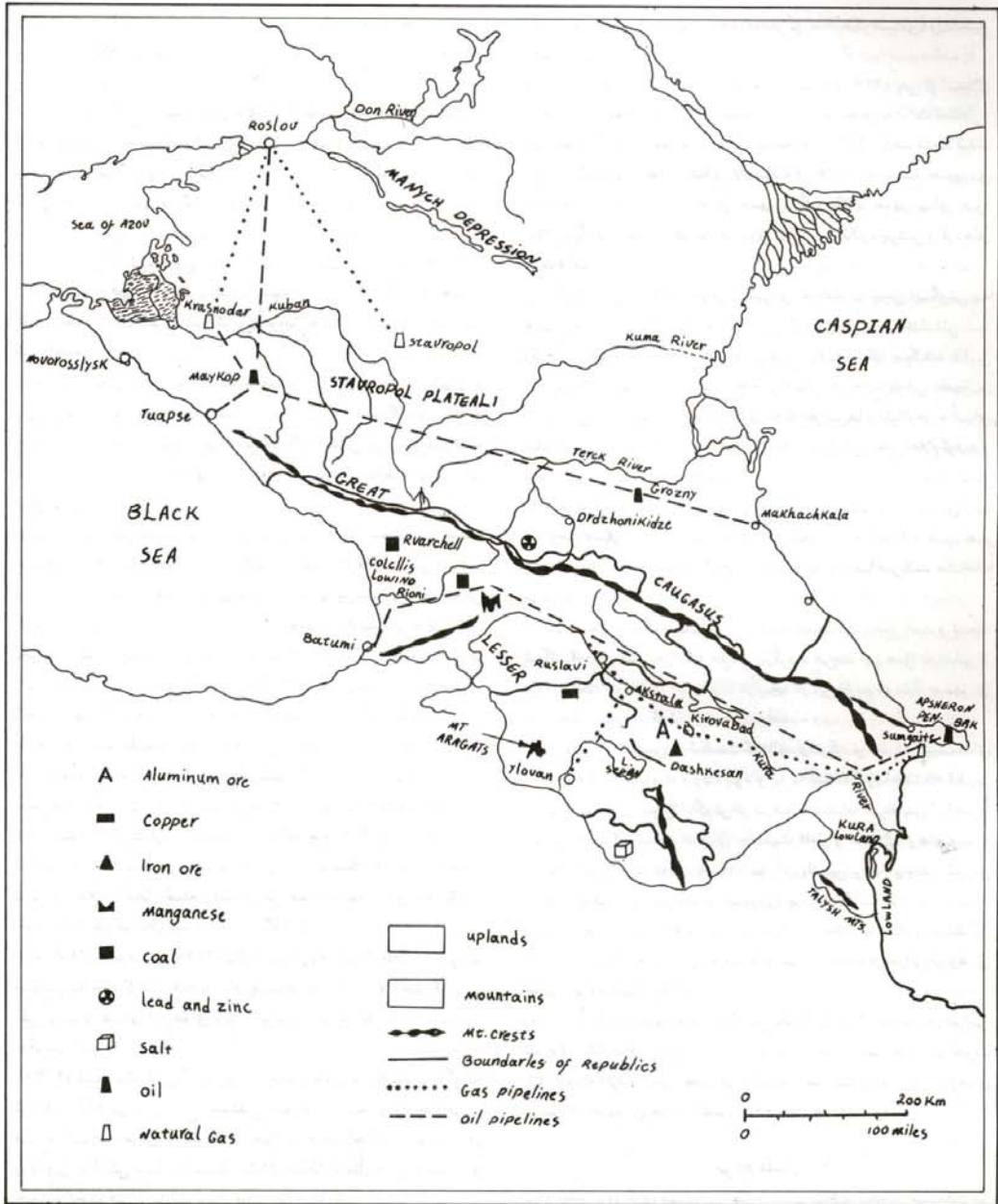
مرحله دوم از قرن هفدهم شروع و تا اواسط قرن هجدهم به طول انجامید.

از نظر جغرافیایی منطقه قفقاز (Caucasus) از دو بخش مجزای شمالی و جنوبی تشکیل شده است که حد فاصل میان آنها را خط الرأس کوههای قفقاز بزرگ تعیین کرده است. از دامنه های شمالی کوههای قفقاز بزرگ که با جهتی شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده اند تا گودال مانیچ (Manych) نزدیک دریای آرف که چهره زمین به تدریج دشت گونه می شود قفقاز شمالی است در صورتیکه قفقاز جنوبی شامل دامنه های جنوبی کوههای قفقاز بزرگ، ناودیس عمیق و وسیع کورا - ریونی و کوههای قفقاز کوچک و فلات ارمنستان می گردد. (به نقشه شماره ۱ مراجعه شود).

از نظر سیاسی، قفقاز شمالی دربرگیرنده جمهوریهای خود مختار و ایالت های خود مختار (استان خود مختار) مسلمان و غیر مسلمان است که همگی در شمار واحدهای داخلی دولت فدراتیو روسیه قرار دارند. این جمهوریهای خود مختار عبارتند از: داغستان، چچن اینگوش، اوستین شمالی و کاباردینو بالکار که دارای اکثریت مسلمان هستند و کرای استاوروپل و کرای کراسنودار که دارای اکثریت روسی می باشند. ایالت های خود مختار آدیغه و قره چای - چرکس که مسلمان نشین هستند نیز در قفقاز شمالی به ترتیب درون کرای کراسنودار و استاوروپل واقع شده اند. (به نقشه شماره ۲ مراجعه شود).

قفقاز جنوبی از سوی دیگر، دربرگیرنده جمهوریهای تازه استقلال یافته آذربایجان، گرجستان و ارمنستان است. ولایت خود مختار ناگورنو قره باغ درون جمهوری آذربایجان، جمهوری خود مختار نخجوان بعنوان بخشی از جمهوری آذربایجان در خارج از محدوده این جمهوری میان ارمنستان، ترکیه و ایران قرار گرفته است. جمهوری خود مختار آجار در جنوب غربی گرجستان و جزئی از آن، جمهوری خود مختار ابخاز در شمال غربی گرجستان و جزئی از آن و ایالت خود مختار اوستین جنوبی در شمال گرجستان و جزئی از آن همه در قلمرو قفقاز جنوبی قرار دارند.

در اینجا لازم به یادآوری است که اصطلاح ماوراء قفقاز (Transcaucasia) زمانی که توسط نویسندگان روسی و غربی استعمال می شود به



نقشه شماره ۱

زوال تدریجی اقتدار ایران و عثمانی موجب شد که خانهای محلی براساس قوم‌گرایی اعلام خودمختاری نمایند و با بروز هرج و مرج زمینه برای استیلا روسها فراهم شد.

در شمال قفقاز شیخ منصور شورمه‌ای که از طایفه چچن بود به اشاعه و تبلیغ طریقت نقشبندی که یکی از دو طریقت عمده تصوف است پرداخت و در تعالیم خود برجهاد با کافران و وحدت و اخوت مسلمین تأکید بسیار نمود. به این ترتیب طرفداران بسیاری پیدا کرده و در نبرد رودخانه سائز (۱۷۸۵) موفق به شکست روسها شد. این مرحله از مبارزات مسلمانان تا سال ۱۷۹۱ که شیخ منصور از قیابرها شکست خورد ادامه یافت. مرحله سوم از جهاد مسلمانان علیه روسها از ۱۸۲۸ (۱۲۴۴) به رهبری غازی محمد تا دستگیری شیخ شامل (سومین امام داغستان) در ۱۸۵۹ به طول انجامید.

شیخ شامل قلمرو خود را به ۳۲ منطقه تقسیم کرده و اداره هر یک از آنها را به یکی از تواب خود سپرده بود. عبادت بیت‌المال از وجوه زکات، خمس و غنائم جنگی تأمین می‌شد. برای تأمین تدارکات نظامی نیز چند کارخانه باروت سازی احداث و تلاشهایی نیز برای تأسیس یک کارخانه توپ ریزی مبدول شد.

نهضت شیخ شامل پس از گذشت سی سال به دلایل مختلف از جمله خستگی مردم شمال قفقاز و برتری کمی و کیفی نیروهای روسی در هم شکست. ابتدا قیابریها و بعد اوست‌ها به روسها پیوستند و فقط بخش کوچکی از مناطق غربی و شرقی داغستان تحت نفوذ شیخ باقی ماند. سپس بخشهای سفلی چچن نیز به دست روسها افتاد و بالاخره امام شامل در ۱۸۵۹ تسلیم شد در حالیکه چرخس‌ها تا ۱۸۶۲ مقاومت کردند و پس از شکست نهضت به طور دسته جمعی به کشور عثمانی کوچ کردند. تعالیم طریقت قادریه درمقایسه با نقشبندیه بیشتر بر صفای باطن و مسالمت تأکید داشت تا برجهاد و شورش. رهبر طریقت قادریه به نام کونناحاجی از چچن‌های داغستان بود و در میان میردانش از نفوذ فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. روسها پس از گسترش اغتشاش در منطقه چچن از ترس نفوذ قادری‌ها در سال ۱۸۶۳ کونناحاجی و برخی از یارانش را دستگیر کردند و به قریه شالی از محلات چچن حمله بردند. در این حملات عده زیادی کشته شدند خود حاجی هم دو سال بعد در زندان درگذشت.

با بروز انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ حرکت مسلمانهای شمال قفقاز دو صورت مشخص به خود گرفت. عده‌ای بنام روشنفکر طرفدار خود مختار قومی و ملی بودند و عده‌ای از زعمای دینی خواستار اخراج بیگانگان و استقرار حکومت اسلام.

در ۱۹۱۷ شیخ نجم‌الدین گوتسویی به امامت چچن و داغستان برگزیده شد. در ۱۹۱۸ نیروهای شیخ نجم‌الدین همراه با شیخ اوزون حاجی از مشایخ نقشبندیه موفق به تدارک ده هزار مرد مسلح شده بودند و در رویارویی با ارتش سفید توانستند استقلال مناطق شمال غربی داغستان و چچن را تحت عنوان امارات شمال قفقاز اعلام نمایند.

در ۱۹۲۰ قفقاز به دست بلشویکها افتاد ضمن اینکه سراسر داغستان را شورش بزرگ فراگرفته بود. در ژانویه ۱۹۲۱ سرزمین چچن‌ها و اینگوشها

متحد شده بخشی از جمهوری خودمختار گورسکایا (کوهستانی) را تشکیل دادند.

در ۱۹۲۲ چچن‌ها از این جمهوری جدا شدند و در ۱۹۲۴ پس از انحلال جمهوری خودمختار گورسکایا منطقه اینگوش نیز تبدیل به ایالت مستقل و خود مختار گردید. چچن‌ها و اینگوشها مجدداً در ۱۹۳۴ با هم متحد شدند و یک ایالت خود مختار تشکیل دادند که در ۱۹۳۶ به سطح جمهوری خودمختار ارتقاء یافت. با انحلال جمهوری گورسکایا جمهوریهای خود مختار دیگری براساس اکثریت قوهای کاباردین، بالکار، چرخس و قره‌چای بوجود آمدند.

در سالهای پیش از جنگ جهانی جمهوری خودمختار چچن اینگوش به علت مخالفت سرسخت مردم با اشتراکی کردن زمین دچار اغتشاش شد و گرچه در طول جنگ مردم کنار ارتش سرخ برضد آلمانها جنگیدند با این حال در ۱۹۴۴ تمامی افراد این قوم حتی آنهايي که خارج از این جمهوری زندگی می‌کردند همراه با اقوام دیگری مانند چرخس‌ها و بالکارها به آسیای میانه و سیبری تبعید شدند و جمهوری چچن اینگوش منحل اعلام گردید و اراضی آن به لک‌ها که در داغستان بودند واگذار شد. با تلفات قابل ملاحظه‌ای که به این اقوام در طول راه در اثر سرما و کمبود مواد غذایی وارد شد زخم عمیقی در قلب چچن‌ها و اینگوشها ایجاد شد که هنوز هم پیامدهای آن در شورشیایی که این مردم علیه روسها می‌کنند مشاهده می‌شود.

در ۱۹۵۷ بعد از مرگ استالین از این اقوام استعمال بعمل آمد و تبعید شدگان اجازه یافتند به زادگاه خویش بازگردند هرچند این عمل به آسانی بدون مشکلات خاص خود نبود. در نتیجه در این تاریخ دوباره جمهوری خودمختار چچن اینگوش موجودیت یافت.

در سپتامبر ۱۹۹۱ پس از شکست کودتای اوت که توسط کمونیست‌های محافظه کار صورت گرفته بود و با بازگشت گورباچف به قدرت ناسیونالیست‌های چچن اینگوش از فرصت استفاده کرده پس از اخراج دبیرکل حزب کمونیست تقاضای حاکمیت کامل و استقلال از فدراسیون روسیه را نمودند. در دوره ریاست جمهوری یلتسین برای خواباندن شورش مردم از طرف دولت روسیه به جمهوری چچن اینگوش نیرو اعزام شد و وضعیت فوق‌العاده اعلام گردید. این حرکت با مخالفت شدید نمایندگان پارلمان روسیه در مسکو روبرو شد و یلتسین ناچار به فراخوانی نیروهای خود و لغو وضعیت فوق‌العاده گردید.

رهبر ناسیونالیست‌های چچن اینگوش یک ژنرال بازنشسته نیروی هوایی شوروی سابق بنام جوهر دادایف است که در نقش ریاست جمهوری قدرت را در دست دارد و اخیراً تهدید کرده است درصورت پیاده شدن نیروهای روسیه در جمهوری علیه آن کشور اعلام جهاد خواهد نمود.

مردم قفقاز

مردم قفقاز از دو گروه مسلمان و غیر مسلمان تشکیل شده‌اند. مسلمانان نیز خود به دو دسته ترک زبان و غیر ترک زبان تقسیم می‌شوند. ترک‌زبانان قفقاز عبارتند از: آذری، بالکاری، قره‌چای، قره‌نوگای و تعدادی گروههای کوچکتر



در صورتیکه اقوام دیگر که به زبانهای غیر ترکی تکلم می‌کنند عبارتند از: چچن، اینگوش، کاباردین، آجاره، ابخاز، ادیغه، چرکس، داغستانی، اوستین و گروههای کوچکتر دیگر.

انواع انگور و سایر میوه‌ها اشاره نمود. در زمینه دامداری به پرورش نوعی گوسفند که پشم لطیفی دارد توجه می‌شود.

مردم چچن - اینگوش

جمهوری چچن - اینگوش شامل سرزمین‌هایی است که قبلاً چچن بزرگ، چچن کوچک و اینگوش نامیده می‌شد و از دو گروه قومی مهم و روسها تشکیل شده است. طبق آمار سال ۱۹۷۹، ۵۲/۹ درصد مردم این جمهوری را چچن‌ها و ۱۱/۷ درصد اینگوش‌ها و ۲۹/۱ درصد را روسها تشکیل داده بودند. در ۲۴ فوریه ۱۹۸۵ تعداد ۱۷۵ نماینده برای شورای عالی جمهوری انتخاب شدند که ۷۸ نفر آنها زن بودند.

نام چچن‌ها به زبان خودشان ناخچو و به زبان روسی برمنبای محل سکونتشان بلشوی چچن (چچن بزرگ) و یا چچن تسی نامیده می‌شود. اکثر این مردم در بخش‌های شرقی و مرکزی جمهوری سکنتی دارند و بخشی از آنها نیز در جمهوری خود مختار مجاور یعنی داغستان زندگی می‌کنند. چچن‌ها ابتدا در قرن هشتم میلادی به مسیحیت گرویدند و سپس در قرن شانزدهم از طریق آوارها و کومیکاها مسلمان شدند و چون داغستان در این زمان از مراکز مهم فرهنگی و آموزشی اسلام بشمار می‌رفت عده‌ای از چچن‌ها برای فراگیری تعلیمات مذهبی به آنجا رفتند و در قرن نوزدهم (۵۹ - ۱۸۳۴) فعالانه از رهبر نقشبندیه امام شامل پشتیبانی کردند و پس از شکست او بوده که روسها توانستند سرزمین چچن‌ها را تحت حاکمیت خود درآورند.

این کار موجب مهاجرت بسیاری از چچن‌ها به عثمانی شد و آنان که در محل ماندند به دفعات برضد نظام جدید سربه شورش برداشتند.

زبان ملی جمهوری چچن - اینگوش زبان چچن است که به گروه زبانهای شمال شرقی قفقاز و گروه فرعی ناخچو (چچن) تعلق دارد. این زبان به زبان اینقوش بسیار نزدیک است و در واقع تا سال ۱۹۳۴ هر دو به اتفاق یک زبان ادبی را تشکیل می‌دادند. ولی اکنون جدا از هم شمرده می‌شوند. زبان آموزش در دانشگاه و مؤسسات آموزشی واقع در شهر گروزنی روسی است هرچند برنامه‌های رادیویی به هر دو زبان چچن و روسی پخش می‌شوند. خط چچن‌ها از سال ۱۹۳۸ خط سیریلی است.

چچن‌ها مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند. در سال ۱۹۴۴ زمانی که چچن‌ها و اینگوشها تبعید شدند تمام مساجد و بناهای مذهبی آنها بسته شد. بعد در سال ۱۹۷۸ دو باب مسجد برای عبادت بازگشایی شد. چچن‌ها در حوزه قلمرو مذهبی مرکز روحانی شمال قفقاز و داغستان (مخاج قلعه) قرار دارند.

در گذشته طریقت نقشبندیه نفوذ عمیقی در این منطقه داشته ولی در سالهای اخیر ظاهراً طریقت قادریه و فرقه کنتاخجی نفوذ بیشتری دارند.

اینگوش‌ها

نام اینگوش‌ها به زبان خودشان کالگای است که از نام بزرگترین قبیله این قوم گرفته شده است ولی به روسی اینگوش خوانده می‌شوند. اکثر اینگوشها در بخش غربی جمهوری چچن - اینگوش ساکن هستند. این قوم

منابع زیرزمینی قفقاز

صرفنظر از ارمنستان که دارای منابع ذغال سنگ است نفت و گاز مهمترین منابع سوختی سایر جمهوریهای قفقاز را تشکیل می‌دهد. در گذشته باکو به دلیل دارا بودن ذخایر نفتی خود شهرت فراوان داشته و امروز گرچه منابع نفتی آن فرسوده شده است ولی هنوز دارای تولیداتی می‌باشد. شهر گروزنی و اطراف میکوب در کرای کراسنودار نیز دارای ذخایر مهم نفتی می‌باشد. ذخایر کم اهمیت تری نیز در شرق گرجستان در دامنه‌های جنوبی کوههای قفقاز بزرگ وجود دارد. دومین منبع مهم معدنی در قفقاز منگنز است. چیاتورا (Chiatura) واقع در جلگه کولچیس (Colchis) مهمترین مرکز تولید منگنز است. منطقه ولادی قفقاز در اوستین شمالی واقع در دامنه‌های شمالی کوههای قفقاز مرکز مهم سرب و روی بوده است. مس در ارمنستان، فلز آلومینیوم و آهن در آذربایجان و ذخایر مهم نمک در نخجوان یافت می‌شوند.

بررسی جغرافیایی چچن - اینگوش جمهوری خود مختار فدراسیون روسیه

مکان جغرافیایی

همانطور که در نقشه ضمیمه مشخص می‌گردد چچن اینگوش در قفقاز شمالی واقع شده و محدود است از طرف شمال و مشرق به جمهوری خودمختار داغستان، از شمال غرب به کرای استاوروپل، از غرب به جمهوری خودمختار اوستین شمالی و از جنوب به جمهوری مستقل گرجستان.

چچن - اینگوش یکی از شانزدهمین جمهوریهای خودمختار دولت فدراسیون روسیه می‌باشد که از سپتامبر سال ۱۹۹۱ در تلاش برای کسب حاکمیت کامل و جدایی از روسیه است. در دوم مارس ۱۹۹۲ طی گزارشی اعلام شده بوده که این جمهوری استقلال خود را بدست آورده است ولی این گزارش بعداً تأیید نگردید.

این جمهوری ۱۹۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت و حدود ۱/۳ میلیون نفر جمعیت دارد. پایتخت آن گروزنی و دارای پنج شهر و چهار شهرک می‌باشد. منابع عمده این جمهوری نفت و گاز طبیعی است و اقتصاد آنهاً طبعاً مبتنی بر همین منابع است. استخراج و تصفیه نفت در رأس سایر صنایع قرار دارد. وجود پالایشگاه مهم نفت در شهر گروزنی باعث شده که نفت خام مورد نیاز آن از سایر مناطق به آنجا وارد شود. ماشین سازی که عمدتاً در راستای صنعت نفت است، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع غذایی و صنایع سبک از مهمترین فعالیت‌های صنعتی در این جمهوری محسوب می‌شوند. در زمینه کشاورزی نیز باید به کشت غلات، گل آفتابگردان، نیشکر، سیبزی،

منابع

فارسی:

- ۱ - دایرة المعارف فارسی مصاحب.
- ۲ - اقوام مسلمان اتحاد شوروی - تألیف شیرین اکینر - ترجمه محمد حسین آریا - انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳ - شیخ شامل داغستانی - نوشته فینس روی مک لین - ترجمه و تلخیص کاوه بیات.
- ۴ - مسلمانان آسیای میانه، گذشته، حال و آینده - بنیگسن و مری براکس آپ - ترجمه کاوه بیات - دفتر نشر اسلامی - ۱۳۷۰.
- ۵ - اقلیت های مسلمان در جهان امروز - تألیف علی کنانی مترجم محمد حسین آریا - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۶۸.

انگلیسی:

- 6 - Paul E. Lydolph (1964), Geography of The USSR. - Johnwiley & Sons, Inc., New york.
- 7 - States'man yearbook, 1991 - 1992.
- 8 - Economist Intelligent Unit, Country Report, No.1&2. 1992.
- 9 - Time Magazine, Dec. 1991.
- 10 - The Economist, Dec. 7th, 91.

همانند چین‌ها در ابتدا در کوهستان بسر میبردند ولی در حدود قرن شانزدهم به دشت نقل مکان کردند و تا اواخر قرن هجدهم عده‌ای از آنها در ساحل رود سونزا و درّه مجاور رودخانه ترک مستقر شدند. اینگوش نامی بود که کاباردین‌ها به آنها دادند و بعدها مورد استفاده روسها نیز قرار گرفت. اینگوش‌ها در سال ۱۸۱۰ خیلی پیش‌تر از چین‌ها تسلیم روسها شدند و بوسیله آنها به نزدیک مرز کنونی اوست شمالی انتقال داده شدند و در نتیجه این منطقه سرزمین اینگوشها شد. در قرن نوزدهم باز مهاجرت برخی کوه نشینان اینگوش به دشت ادامه یافت بطوریکه تا پایان قرن اکثریت در دشت مستقر شدند.

اینگوشها نیز همانند چین‌ها ابتدا به مسیحیت گرویدند و سپس تحت تأثیر چین‌ها مسلمان شدند ولی در مبارزات علیه روسها نقش کم رنگتری ایفاء کردند. حکومت شوروی سرانجام در ۱۹۲۰ در سرزمین اینگوشها مستقر شد و در ۱۹۲۱ به خاک چین پیوست تا دوباره در ۱۹۲۲ تبدیل به ایالت مستقل و خود مختار گردد. اینگوشها با چین‌ها مجدداً در ۱۹۳۴ با هم متحد شدند و یک ایالت خود مختار تشکیل دادند که در سال ۱۹۳۶ به سطح جمهوری ارتقاء داده شد. جمهوری خودمختار نیز در ۱۹۴۴ با تبعید این دو قوم به آسیای مرکزی منحل شد تا دوباره در ژانویه ۱۹۵۷ موجودیت پیدا کند. اینگوشها نه تنها در این جمهوری بلکه جمهوری خود مختار اوست شمالی (۱۲/۷ درصد در ۱۹۷۹) و سایر نقاط شوروی سابق (۱۴/۹ درصد) نیز بسر می‌برند.

زبان اینگوش تا سال ۱۹۲۰ که مالساگوف الفبای آن را بر پایه خط لاتین تدوین کرد خط نداشت و از ۱۹۳۸ به اینطرف با خط سیریلی نوشته می‌شود.

اینگوشها مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند.